

خاطرات و اسناد عبدالحمید نوایی

نکته‌ها و ناگفته‌های عصر پهنوی



رضا مختاری اصفهانی

بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: مختاری اصفهانی، رضا - ۱۳۵۳.
 عنوان و نام پدیدآور: خاطرات و اسناد عبدالحسین نوایی «نکته‌ها و ناگفته‌های عصر پهلوی»؛ به کوشش رضا مختاری اصفهانی
 مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۴.
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیای مختصر
 مشخصات ظاهری: ۶۱۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۱۹۰-۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۶۹۲۰



■ خاطرات و اسناد عبدالحسین نوایی «نکته‌ها و ناگفته‌های عصر پهلوی»

رضا مختاری اصفهانی

آماده‌سازی و تولید:

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی و گرافیک: پرویز بیانی

چاپ و صفای: آرمانسا

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۴، ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۴۳۰۰۰ تومان

هر گونه بهره‌برداری از کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

● تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای زاندارمیری شرقی. پلاک ۷۴.

● طبقه دوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

● www.parsehbook.com / info@parsehbook.com ●

فهرست

۴۳	یادداشت ناشر
۴۳	درباره مجموعه
۱۱	مقدمه
	بخش اول: خاطرات
۲۴	فصل اول: پیشینه خانوادگی و احوالات شخصی
۲۴	اجداد پدری
۲۵	پدر
۲۷	تولد
۲۸	مادر
۲۸	سختی روزگار
۳۰	تحصیلات
۳۳	دانشکده پلیس
۳۷	فصل دوم: جامعه و سیاست ایرانی
۳۷	پهلوی اول

۴۱	جامعه دوره رضاشاه
۴۲	کشف حجاب
۴۴	اشغال ایران
۴۵	تهران قدیم
۴۷	آب تهران
۴۹	بلدیه تهران
۵۰	سرگرمی تهرانی‌ها
۵۳	روشنایی خانه‌ها
۵۴	مدارس تهران
۵۶	سید محمد تدین
۵۷	قرارداد ۱۹
۵۹	آزادی و قانون
۶۱	جمال‌زاده و خلقیات ایران‌ساز
۶۳	حزب توده
۶۸	محمد مصدق
۷۰	سقوط دولت مصدق
۷۳	نتایج معنوی کودتا
۷۴	چرخه معیوب سیاست در ایران
۷۷	فصل سوم: ازدانشسرای عالی تا همراهی با بزرگان
۷۷	تاریخچه آموزش عالی در ایران
۷۹	تحصیل در دانشسرای عالی
۸۰	سید محمد تدین
۸۰	بدیع الزمان فروزانفر
۸۳	سید کاظم عصار
۸۴	شیخ احمد سیگاری
۸۶	دیگر استادانم
۸۸	عباس اقبال آشتیانی و مجله یادگار
۹۴	اختلاف با اقبال

۱۰۱	علی اصغر حکمت
۱۰۳	سعید نفیسی
۱۰۷	غلامرضا رشید یاسمی
۱۱۰	سید حسن تقی زاده
۱۱۷	فریدون آدمیت و تقی زاده
۱۱۸	ذبیح بهروز
۱۲۵	فصل چهارم: از تدریس در مدارس تا تحصیل در فرانسه
۱۲۵	اولین تجربه تدریس
۱۲۶	تدریس در کرج
۱۲۸	تدریس در شهری
۱۲۹	اداره طباعان
۱۳۱	تحصیل در فرانسه
۱۳۲	ظرایف زبانی
۱۳۶	فرانسه؛ نگاه اول
۱۳۶	خاطرات فرانسه
۱۳۹	هائری ماسه و رساله دکترا
۱۴۵	فصل پنجم: مشاغل دولتی و فعالیت های فرهنگی
۱۴۵	بیکاری و سرگردانی
۱۴۶	اداره کل تعلیمات عالیہ
۱۵۱	ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز
۱۵۸	اداره کل تشکیلات و روش ها
۱۶۹	ریاست سازمان کتاب های درسی
۱۷۰	اتهام اختلاس
۱۸۱	ریاست مدرسه عالی بابلسر

بخش دوم: اسناد

۱۹۷	۱. اسناد و مکاتبات مربوط به انحصار ورثه حیدرعلی نوایی
-----	---

۲. نمونه‌ای از فیش برداری عبدالحسین نوایی در روزگار یادگار ۲۰۷
۳. وکالتنامه محمد قزوینی به عبدالحسین نوایی برای فسخ معامله خانه اش ۲۰۸
۴. نامه محمد جواد آیت اللهی به عبدالحسین نوایی درباره درخواست وی جهت نگارش شرح حال آیت الله سید عبدالحسین تستری نجفی لاری ۲۰۹
۵. پاسخ سید محمد باقر آیت اللهی به استفسار عبدالحسین نوایی درباره شرح حال آیت الله عبدالحسین لاری ۲۱۰
۶. نامه‌های سید حسن تقی زاده به عبدالحسین نوایی برای ملاقات با وی ۲۱۱
۷. نامه عباس اقبال آشتیانی به عبدالحسین نوایی در گلایه از اوضاع و رجال کشور و ابراز لطمه به ۲۱۳
۸. پاسخ نخست وزیر به عبدالحسین نوایی درخصوص پایه اداری وی ۲۲۴
- مکاتبه وزارت فرهنگ و تفریح به نخست وزیر درخصوص صدور گذرنامه برای عبدالحسین نوایی جهت شرکت در جنگ مستشرقین در استانبول ۲۲۵
۱۰. پاسخ عبدالحسین نوایی، رئیس سازمان کتاب های درسی، به اظهارات سناتور هاجر تربیت درخصوص تهیه مترجمان برای کتاب های درسی ۲۲۷
۱۱. مکاتبات مربوط به اعطای نشان به عبدالحسین نوایی ۲۳۰
۱۲. مخالفت وزارت آموزش و پرورش با افزایش قیمت کتاب های درسی ۲۳۸
۱۳. نامه نخست وزیر به وزارت آموزش و پرورش درخصوص شکایت عبدالحسین نوایی راجع به اتهام اختلاس به وی ۲۴۴
۱۴. نامه عبدالحسین نوایی به نخست وزیر، امیرعباس مرید، رخصت رخصت انتساب ۲۴۸
- اختلاس به وی ۲۴۸
۱۵. مکاتبات مربوط به اعطای مجوز انتشار به کتاب شرح حال عباس میرزا ملک آرا، اثر عبدالحسین نوایی ۲۵۰
۱۶. نامه نخست وزیر به عبد الله جاسبی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، درخصوص ارسال نامه‌ای به این نهاد در اعتراض به تدریس دکتر عبدالحسین نوایی ۲۵۳
۱۷. نامه دکتر عبدالحسین نوایی به محمود اسعدی، دبیر ستاد چهره های ماندگار، در گلایه از تجلیل دیر هنگام از وی ۲۵۸

- گویندگان بعضی از شعرهای مشهور..... ۲۷۱
- خاتمه ترجمه تاریخ یمنی..... ۲۷۷
- فرمان تدریس نظامیه نیشابور به نام محیی الدین محمد بن یحیی نیشابوری..... ۲۹۷
- چند نکته راجع به احوال عبدالواسع جبلی..... ۳۱۰
- پناه آوردن همایون، پادشاه هند، به شاه طهماسب صفوی..... ۳۱۳
- یک نامه از محمدخان شیبانی و دو نامه از شاه اسماعیل صفوی..... ۳۳۳
- مکتبی شیرازی..... ۳۴۷
- انوری و نسخه عیون الحکمه ابن سینا..... ۳۵۷
- ارری و توحی شاعر..... ۳۶۳
- عن القضاة همدانی..... ۳۷۵
- عاقبت ناصر خان زند؛ چگونه آخرین شراره خاموش می شود..... ۳۸۳
- عاقبت ازماندگان نادرشاه..... ۳۹۷
- سخنی چند در باره شاه می..... ۴۱۰
- حبشیات خاقانی..... ۴۲۳
- ولیعدهای ناصرالدین شاه..... ۴۴۷
- انقلاب گیلان چگونه آغاز شد؟..... ۴۶۱
- قانون اساسی ایران و متمم آن چگونه تعیین شد؟..... ۴۷۳
- نظری مختصر به حیات و شعر صوفیانه عراقی..... ۴۸۵
- نظری مختصر به حیات و شعر صوفیانه عراقی..... ۴۹۷
- حیدر عمواوغلی و محمد امین رسول زاده..... ۵۰۸
- حاج محمد کریم خان کرمانی ۱۲۲۵-۱۲۸۸ قمری..... ۵۲۷
- حاج محمد کریم خان کرمانی ۱۲۲۵-۱۲۸۸ قمری..... ۵۳۷
- ضمایم..... ۵۴۰
- ضمیمه اول: خاطرات سید حسن تقی زاده (از تولد تا مجلس اول)..... ۵۴۹
- ضمیمه دوم: گزارش انوشیروان سپهبدی از اختلاف محمد علی جمال زاده و
عبدالرحمان سیف آزاد..... ۵۷۷
- نمایه خاطرات..... ۵۷۷

مقدمه

خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی در شکل امروزی آن رهاورد غرب است، اما در تاریخ‌نگاری‌های کهن ایران هم می‌توان نوعی خاطره‌گویی را در ثبت و ضبط وقایع مشاهده کرد. مورخ مشاهده‌گر، «ادب» را یا «زارشگر» خاطرات دیگران است از حوادث. از همین رو با وجود آن‌که اکثر کتاب‌های تاریخ به تبع نگاه عقیدتی و اندیشگی مورخ در روایت حوادث گذشته، از تاریخ پیامبران یا دوره‌ی اسامیری ایران آغاز می‌شد، اما روایت مورخ از زمان زیست خویش منبع اصیل و بی‌بدیل شمرده می‌شد. چرا که او به جهت موقعیت و جایگاهی که در نظام حاکم داشت، از بسیاری رویدادها مطلع بود. هرچند همین جایگاه این آسیب را در پی داشت که مورخ دچار مذهب و فتنه‌ها، حال از جنس پرده‌پوشی یا تملق و مدح شود. با این همه، هرچه بود، با توجه به این ادعای «را» رفته شده که فاتحان و حاکمان تاریخ را می‌نگارند، از شکست خوردگان و محکومان که «تاریخ» را می‌توان در تاریخ‌نگاری‌های سنتی یافت. در این میان مورخانی چون ابوالفضل بیهقی دژه نادره‌ای هستند که تاریخ را با نگاهی ژرف نگاشته‌اند. بیهقی که کتاب تاریخش بحق به نام مورخ شهره شده و از نام رسمی آن (تاریخ مسعودی) کمتر یاد می‌شود، در نگارش وقایع ناظری بی‌طرف و دقیق است. او در روایت تاریخ به ثبت مشاهدات خود و گفت و گوهایش با افراد می‌پردازد. چنین امری را جز خاطره‌نویسی چه نامی

می‌توان نهاد؟ خاطره‌نویسی بیهقی اما اندیشمندانه است. او تنها به روایت گفت و گوها و حوادث نمی‌پردازد. روایت و شرح جزئیات که تصویری کامل از آدم‌ها و مکان‌ها می‌دهد، بیهقی را بر جایگاهی فراتر از یک مورخ نشانده است. به‌طوری که خواننده در خواندن رویدادها گویی تصویری چون قاب سینما یا صحنهٔ تئاتر در برابر دیدگانش مجسم می‌شود.

از نگاهی موسع سفرنامه‌ها را هم می‌شود گونه‌ای از خاطره‌نویسی اما از دورهٔ شخصی به نام سفر دانست. دوره‌ای که ممکن است در آن حادثه‌ای مهم و تأثیرگذار رخ ندهد، اما سافر به ثبت آثاری می‌پردازد که از پی حوادث مهم در نقاط گوناگون به وجود آمده‌اند. علاوه بر این، سفرنامه‌ها به مسائل اجتماعی می‌پردازند. چرا که سفرنامه‌نویسان به‌آزادگی سفیران و نمایندگان سیاسی نیستند. چه بسا مردمانی عادی بودند که در کرانه‌های دشتان در طی سفر کاروانسرای محقر بود که از هر طبقهٔ مردمانی در آن سکنی داشتند. سفرنامه‌های ناصر خسرو و ابن بطوطه به عنوان دو نمونهٔ معروف از چنین نگاهی هستند. شرح رفتار مردمان عادی، وضعیت بازارها، اخلاق و آداب مذهبی و... آن روزگاران، تنها در چنین سفرنامه‌هایی قابل ردیابی است. اگر در دورهٔ خلافت، سفرنامه‌ها از مسرت جستجوگری مسلمان در اقصی سرزمین‌های اسلامی فراهم می‌آمد، به مرور با انحطاط خلافت و اشغال این سرزمین‌ها توسط اقوام مهاجم بویژه مغولان، از تعداد این سفرنامه‌ها کاسته شد. در دورهٔ قاجار که مواجههٔ ایران و غرب رخ داد، سفیران و مسافران به‌دین در فرنگ سپردند. این مسافران بیش‌تر از اعیان و شاهزادگان بودند. آنان برخلاف مسافران سابق خود پا در سرزمین‌هایی می‌گذاشتند که علاوه بر تفاوت آداب، اخلاق و عینک زندگی، از عقیدهٔ مذهبی متفاوتی برخوردار بودند. علاوه بر این، غرب در دوره‌ای به سر می‌برد که بیداری فرهنگی و تمدنی را تجربه می‌کرد. از همین رو هر چند اکثر این مسافران مبهوت مجالس مهمانی، پوشش زنان و حضور آنان در اجتماع می‌شدند، اما نکتهٔ بینان تفاوت‌ها را فراتر از این امور جستجو می‌کردند. به‌طوری که میرزا صالح شیرازی به جز سفرنامه، رهاوردی به نام روزنامه از غرب به همراه آورد. خاطره‌نویسی اعیان و رجال هم از نتایج این آشنایی بود.

خاطرات ایرانیان اما با غربیان تفاوت عمده‌ای داشت. اگر در غرب بر مبنای

«اعترافات» که در الهیات مسیحی جایگاه خاصی دارد، خاطرات نگاشته می‌شدند، در ایران تقیه همچنان که بر بسیاری از رفتارها و امور زندگی جریان داشت، بر سطور خاطرات نیز مستولی شد. در مقابل، رقبا از پرده‌دری‌های صاحب خاطرات مصون نماندند. البته نمونه‌های نادری هم مانند میرزا محمد حسن خان اعتماد السلطنه بودند که در یادداشت‌های خصوصی‌شان از رفتارهای خلاف عرف و گاه شرع خویش نوشتند. هم‌چنین از ناشنیده‌ها و نادیده‌های حرم شاهی پرده برداشتند. نوشته‌های آنان حکایت از آن داشت که شاه قدر قدرت نوشته‌های رسمی و تاریخی نگار،‌های درباری به چه مصایب و نقصان‌هایی در جسم و ملکداری گرفتار است.

آنچه خاطر سازان ایرانی را از بیان صریح وامی‌داشت، علاوه بر قانون نانوشته عرف در همه بگ‌شان با جماعت، استبداد سیاسی حاکم بر اجتماع بود. از همین رو خاطرات در دوره‌های ساج، انتشار می‌یافتند که اوضاع سیاسی تغییر یافته و موانع بر طرف گشته باشد. آنچه طرأت تقی‌زاده در دوره پس از پهلوی انتشار یافت و امیر اسدالله علم انتشار پیدا داشت، خود را منوط به دوره‌ای کرد که دیگر دودمان پهلوی در ایران سلطنت نمی‌کرد.

با همه نمونه‌های گوناگونی که از خاطرات رجال در رده‌های گوناگون وجود دارد، خاطرات رجال فرهنگی و فرهیختگان عرصه‌های گوناگون چندان کمند که به چشم نمی‌آیند. هر چند در سال‌های اخیر مؤسسات و مراکز گوناگون با راه‌اندازی واحد تاریخ شفاهی سعی کرده‌اند حوزه فرهنگ را هم در مصاحبه‌ها، ساز و نظر قرار دهند، اما هنوز تا نقطه ایده‌آل راهی طولانی پیش رو است.

زمانه و کارنامه عبدالحسین نوایی

عبدالحسین نوایی از جمله افرادی است که با نظر به زندگی او، می‌توان از رجال فرهنگی شمردش. وی از سنین کم در حوزه مطبوعات جدی ایران قلم زد و هیچ‌گاه در عرصه ادبیات و تاریخ قلم از کف ننهاده. نوایی در وزارت فرهنگ هم مشاغل گوناگونی تجربه کرد. مشاغلی که از معلمی در مدارس گرفته تا مدیریت عرصه‌های کلان و اداره مجله تعلیم و تربیت وزارت فرهنگ. در این عرصه‌ها با بزرگان فرهنگ این مرز و بوم

مأنوس و محشور بود. انسی که موجب شد از نزدیک با آنان مراوده داشته باشد و به جهت برخی از رفتارها، منتقدشان گردد.

عبدالحسین نوایی در سال‌های پایانی سلسله قاجاریه چشم به دنیا گشود. تاریخ مکتوب خاندان او با سلطنت قاجاری آغاز می‌شود، اما شاخه خاندانی عبدالحسین برخلاف دیگر شاخه‌های این خاندان تنها نام موطن اولیه (نوا) را بر خود داشت. در حالی که برخی از شاخه‌های خاندانی نوایی پیشوند منشی را هم دارند که نشانی از جابگه دیوانی و پایگاه طبقاتی آنان دارد. گویا در امتداد سلطنت قاجاری، خانواده حید، علی، محمد و حسین، به مرور با گذشته خود وداع می‌کردند. گذشته‌ای که برای آنان القاب و مناسبت دیوانی داشت. این وضعیت برای عبدالحسین سخت‌تر بود، چه او از همسرش پند بود و علاوه بر محرومیت‌های اجتماعی جدید، از نامرادی‌های خواهران و برادر ناتنی نیز ناصیبی داشت.

با این همه، دوره رضاشاهی نصیبی برای رشد تا خود را از گذشته برهاند و با آداب و مقتضیات جدید بیابد. تفاوت وی با بسیاری از هم‌نسلانش در حوزه فرهنگ هم در این بود که کودکی و نوجوانی را در تهران در مسیر تجدد گذرانده بود. چنین وضعیتی به همراه پیشینه خانوادگی موجب شد سریع در حاشیه بزرگان وارد شود. بزرگانی که از روشنفکران برآمده از انقلاب مشروطه بودند. عباس اقبال آشتیانی، محمد قزوینی و سید حسن تقی‌زاده سه تنی بودند که نوایی با آنان همراه شد. از این بخت بهره‌مند شد که برخلاف خواسته خودش، در دانشسرای عالی قبول شد و تحصیل در دانشسرا، تلمذ در نزد کسانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، فاضل‌تونی، عباس اقبال، سید کاظم عصار و... را برایش به همراه داشت. در این میان اقبال که در صدراعظمی و اندازی مجله یادگار بود، نشر نوایی را پسندید و متنی را که در پاسخ سؤالش در کلاس آیین نگارش نوشته بود، با نقد خود در شماره اول مجله منتشر کرد. اقبال به نوایی چندان اعتماد و اعتقاد داشت که او را به محافل یاران همراه می‌برد و نوشته‌هایش را منتشر می‌کرد. این اعتماد در نزد قزوینی و تقی‌زاده هم وجود داشت. تقی‌زاده خاطراتش را برای نوایی تقریر می‌کرد. این تقریر در آن زمان از این امتیاز برخوردار بود که تقی‌زاده به محافظه‌کاری‌های سال‌های بعد دچار نشده بود. بخش‌هایی از خاطرات که نزد نوایی باقی مانده بود و در ضمیمه کتاب حاضر آمده، این تفاوت را نشان می‌دهد. یادگار در دوره پس از شهریور

بیست که اوج هیجانات سیاسی و یک‌ه تازی حزب توده در عرصه مطبوعات بود، به فعالیت فرهنگی پرداخت. غیبت سیداحمد کسروی در سال‌های انتشار یادگار، اهمیت این مجله را بیش‌تر می‌نمایاند.

اقبال و دیگر نویسندگان مجله علاوه بر بازآفرینی تاریخ و ادبیات به روش جدید تحقیقاتی، از مسائل روز هم غافل نبودند. چنانچه در مطالب یادگار انتقاد به فرهنگستان و مطبوعات هم دیده می‌شود. در واقع یادگار همه امور را از دریچه فرهنگ می‌دید. همچنان که تقی‌زاده در مقاله «حیثیت و همت» به بازسازی شخصیت ایرانیار از طریق مرام فتوت توجه کرده است.

بدان سسین نوایی هم پایه‌های مطالعات بعدی خود را در روزگار یادگار پی‌ریزی کرد. تاریخ و ادبیات دو حوزه‌ای بود که نوایی برگزید. از تصحیح نسخ خطی تا تحقیق درباره ادبیات و شاعران موضوعاتی بودند که او در روزگار یادگار درباره‌شان قلم زد. تحقیقاتش مندرج در کتاب‌های منتشره نبود که به نسخ خطی نیز ارجاع می‌داد یا درباره مسائل تاریخ، عام و خاص، کمترین کسب اطلاع می‌کرد یا سندی را در این باره جستجو می‌نمود. ارجاع به سنا یا خاطرات از همان دوره جوانی در او وجود داشت و در نزد بزرگان آموخت که به پخته‌داری و بهره‌برداری از تحقیقات دیگران عادت نکند. از همین رو در پیرانه سری هم، سردر گنجویی به او مددی می‌رساند، از آوردن نامش در کنار نام خود ابا نداشت. چه او در جوانی، در حلقه بزرگان پذیرفته شده بود و گویی سپاس این نعمت را در طول سالیان پرداخت. هر چند این اقدام نیکو در برخی موارد با ناسپاسی‌ها مواجه شد.

نوشته‌های نوایی در آن سال‌ها نشان از گستره مطالعات او دارد. به طوری که در تصحیح نسخ هم توضیحات و تحشیه‌های پرمغزی می‌نوشت و خاصه کار تنها یک بازنویسی ساده نبود. بی‌جهت نبود که توسط زکی ولیدی طوغان به استانبول مستشرقین در استانبول دعوت شد که شاید در نظر میزبان، عبدالحسین نوایی از سن و سالی همچون اقبال برخوردار بوده که در جمع نویسندگان یادگار راه یافته است.

با تعطیلی یادگار، رابطه اقبال و نوایی هم چندان نپایید. سوء تفاهم‌ها به نثار میانشان مبدل شد و حسرت پیوندی دوباره تا پایان عمرشان باقی ماند. بخش مهمی از خاطرات دکتر عبدالحسین نوایی مربوط به روزگار یادگار و مسیری است که به نثار

او و استادش منجر شد. خاطرات حاضر از حیث صداقت راوی در بیان مطالب از نیک و بد آدم‌ها کم‌نظیر است و فرجام رابطه راوی با برخی از افراد بر تمامی روایات سایه نیفکنده است. از همین رونمی‌توان از ابتدا بر چگونگی رابطه او با آدم‌ها پی برد. در واقع قضاوت دکتر نوایی درباره حوادث و آدم‌ها تابع زمان خاصی است و از نظر او، هیچ حادثه و انسانی به طور مطلق خیر و شر نیست. چنین انصافی را در تاریخ‌نگاری ورنه نمی‌توان مشاهده کرد. چه او این سخن تقی‌زاده را همواره در نظر داشت که مورخ نیست همچون کسی باشد که از مریخ آمده و نسبت به ساکنان زمین پیش‌زمینه و مضامین بسینی ندارد. بر همین اساس با استادش، اقبال، همنظر بود که تاریخ معاصر در ایران را برمی‌گیرد که مورخ نسبت به آن حب و بغض نداشته باشد. شاید بر مبنای همین نگرش بود که وقتی دکتر احسان یارشاطر به واسطه احمد بیرشک از دکتر نوایی خواست که نامه‌ای در باره فرج‌الله بهرامی (دبیر اعظم) برای ایرانی‌کا بنویسد، طی نامه‌ای تند به یارشاطر از آن افاض کرد و اذکار خواست. البته تندی نامه بی‌مناسبت با شرایط روزگار (دهه شصت) و نگرانی نویسنده از نوشتن چنین مقالاتی هم‌کنایه‌ها و گلایه‌ها و شکایه‌ها می‌دید و می‌شنید.

او در ادبیات هم از همان دوره یادگار نشان داد به ادبیات نگاهی تفننی و ذوقی ندارد. به طوری که در شرح حال شاعران به بحث و زندگی و خانواده آن‌ها اهمیت می‌داد. چرا که شعر به عنوان یک متن در محیط‌ها و گوناگون وضعیت و رنگ آن محیط را به خود می‌گیرد. نوایی در دوره جوانی زندگی شاعرانه چون فخرالدین عراقی و خاقانی را مورد بررسی قرار داد و در اواخر عمر هم به نگارش پخته‌تر در تصحیح دیوان محتشم کاشانی چنین کرد. همچنین او توجه به اسناد را که از روزگار یادگار آغاز کرده بود، پی گرفت و در انتشار کتاب سندهای مهمی از دوره‌های تیموریان و صفویان کوشید. در این باره با وجود تلاش کسانی پیش از او چون جهانگیر قائم مقامی، سندپژوهی استاد جدی‌تر بود و بحق می‌توان او را «پدر اسناد» در ایران دانست.

هر چند یادگار چندان نپایید و با سرخوردگی اقبال از پی مرگ قزوینی و حوادث روزگار تعطیل شد، اما نوایی در محیط علمی و فرهنگی ایران بالید و یادگاری از یادگار شد. یادگاری که شرافت علمی فرو نهاد و به آنچه در نزد بزرگان آموخته بود،

وفادار ماند. البته کار مطبوعاتی وی تنها منحصر به یادگار نبود که در نشریات معتبری چون اطلاعات ماهانه، پست تهران، بررسی‌های تاریخی، وزارت امور خارجه و... در دوره‌های گوناگون قلم زد.

بر همین اساس با وجود مناصب دولتی که همه در حوزه فرهنگ بود، هیچ‌گاه از تحقیق و نوشتن بازنیستاد. نکته این‌که او پیش از نیل به منصب دولتی یا کسوت استادی نوشتن را آغاز کرده بود و قلم و کاغذ توتم و مرهم وجود او بود. از همین رو لازم نبود برای رسیدن به فضیلت نویسندگی و محقق، به دیگران متوسل شود که تحقیق و نگارش برای او لذت بود. حاصل سال‌ها تحقیق و تألیف برای او جایزه کتاب سال شاهنشاهی برای تصحیح احسن التواریخ و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی برای تصحیح و تألیف کتاب اسناد تاریخی ایران از ۱۳۰۸ تا ۱۱۰۵ ه.ق را به همراه داشت. این جوایز عناوین بر او نمی‌افزود که آثارش دلالتی بر فضیلت علمی او بودند. همچنان که وقتی در نخستین دوره همایش چهره‌های ماندگار جزو برگزیدگان اعلام شد، دعوت همایش انجمن ایرانشناسان و دلایل را نزدیکان استاد بهتر از هر کس می‌دانند. انتخاب دوباره‌اش برای دوره سوم هم پاسخ گلایه‌آمیز وی نزدیک به چهل روز قبل از درگذشتش (۱۶ مهرماه ۱۳۸۳) شد.

دکتر عبدالحسین نوایی در کنار نوشتن معلمی هم می‌کرد. او معلمی را از تدریس در مدارس کرج و شهرری آغاز کرد و پس از اخذ کتبی ادبیات از دانشگاه سوربن در دوره‌هایی در دانشگاه‌های مختلف تدریس نمود. مه‌تین مشاغل او در وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش بعدی) اما مدیریت‌های گوناگون از جمله ریاست سازمان تدوین کتاب‌های درسی بود. ریاستی که با وجود خدمات بسیارش فرجامی نیک نداشت. ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز و مدرسه عالی بابلسراز دیگر سمت‌های فرهنگی دکتر عبدالحسین نوایی است. او با وجود این سمت‌ها اما هیچ‌گاه از نوشتن غافل نماند و در دوره بازنشستگی که با پایان سلطنت پهلوی آغاز شد، فرصتی مغتنم برای پرداختن به این لذت همیشگی‌اش بود. البته در این دوره گه‌گاهی در برخی از دانشگاه‌ها نیز تدریس می‌کرد یا در برخی از مراکز مطالعات اسنادی و تاریخی مشاوره‌های ذی‌قیمتی می‌داد و آموخته‌های خود در این حوزه را به نسل‌های گوناگون منتقل می‌کرد.

خاطرات زندگی دکتر عبدالحسین نوایی سرشار از نکته‌ها و ناگفته‌ها است. نکته‌هایی از اجتماع ایرانی که با توجه به اشراف وی بر تاریخ و فرهنگ ایران همراه با آسیب‌شناسی است. از همین رو خاطرات مذکور تنها ذکر حوادث زندگی و مشاهدات فردی نیست که دکتر نوایی همچون کلاس درس به بیان یافته‌های خود از تاریخ و ادبیات و کاربرد آن در زندگی ایرانیان و تحلیل جامعه‌شناختی از روزگار آنان تا به امروز می‌دازد. در یادکرد بزرگان فرهنگ این مرز و بوم هم دچار قدسی‌سازی و مطلق‌انگاری نمی‌شود و نقاط مثبت و منفی آنان را بیان می‌کند و از مسائل خانوادگی خویش به صراحت سخن می‌گوید.

با توجه به مواردی که گفته آمد، خاطرات دکتر عبدالحسین نوایی روایتی دست اول از فرهنگ راجع ایرانی، بخشی از تاریخ آموزش و پرورش و آموزش عالی، مفاخر فرهنگی و... است. این روایت با اسناد دکتر عبدالحسین نوایی، مقالات او در روزگار یادگار، بخشی از تحریر خاطرات عبدحسن تقی‌زاده و سندی درباره محمدعلی جمال‌زاده مجموعه حاضر اثبات می‌دهد. گفتنی است بخش‌های مختلف کتاب در واقع بر مبنای خواست صاحب خاطرات به هنگام مصاحبه‌ها آورده شده‌اند. امید که روایت دکتر عبدالحسین نوایی از فرهنگ و اجتماع عصر پهلوی برش‌هایی از تاریخ ایران را بازسازی کند.

در فراهم آمدن کتاب دوستان و همراهان بسیاری نام‌ها را یاری رسانده‌اند. روانشاد دکتر نوایی با لطفی که به نگارنده داشت، روایی کامل از زندگی خود را در مصاحبه‌هایش بیان کرد و این لطف توسط خانواده‌اش نیز ادامه یافت. مره کمالی، همسر استاد، و حمید یگانه شکیب، فرزندش، به همراه خواهر استاد، استاد فروغ نوایی، و دختر و دامادش، کارمن میردامادی و حسن تولیتی، همواره به صاحب این قلم لطف داشته‌اند و در اختیار نهادن اسناد و تصاویر کتاب نشانه این لطف است. دوستانم، دکتر روح‌الله بهرامی که پیشنهاد مصاحبه با استاد را داد، علی‌اکبر علی‌اکبری بایگی به جهت همراهی مؤثر در بیش‌تر مصاحبه‌ها، ایرج محمدی که از آغاز کار همدلی و همراهی‌های بی‌شائبه داشت، دکتر ابراهیم عباسی، دکتر اسماعیل سنگاری، علیرضا اسماعیلی، بهنام صدری، عیسی عبدی و رضا حقیقی به جهت یاری‌ها و پیشنهادهایشان مرا مرهون خود ساخته‌اند. هم‌چنین از اسماعیل

حسن زاده، مدیر انتشارات پارسه، جهت انتشار کتاب شکرو سپاس دارم. از همسر، سمیه افشاریان مقدم، و دخترم، ترنم، در مدت تدوین و گردآوری مجموعه با آرامشی که برایم فراهم شد و فرصت بودن با آنان دریغ گردید، سپاسگزار و شرمسارم. امیدوارم ترنم همواره به یاد داشته باشد در چه سرزمینی می‌زید و بزرگانِ آن را پاس دارد.

رضا مختاری اصفهانی

پاییز ۱۳۹۳

سراپور حسینی دکتر مرید رستمی

فارسه پارسه پارسه

نخستین کتاب در تاریخ ایران

دکتر مرید رستمی

۱۳۹۳

www.ketab.ir